

گلستان

مجموعه شعر

غفار علی عسکری

متخلص به:

«فریاد»

سرشناسه	عسکری، غفارعلی، ۱۳۲۴ -
عنوان و نام پدیدآور	رنگ خیال : مجموعه شعر/ غفارعلی عسگری متخلص به فریاد.
مشخصات نشر	گرگان: مقسم، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	۱۱۸ ص.: مصور.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۵۷۱۸-۳۱-۷
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
موضوع	شعر فارسی -- قرن ۱۴
رده بندی کنگره	۹۱۳۹۱/۷۳۶۳/س/PIR۸۱۵۱
رده بندی دیویی	۸۶۱/۶۳
شماره کتابشناسی ملی	۳۰۵۵۸۰۴
تاریخ درخواست	۱۳۹۱/۱۱/۰۲
تاریخ پاسخگویی	
کد پیگیری	۳۰۵۴۸۶۴

رنگ خیال

شاعر : غفار علی عسگری
طراح جلد و صفحه آرا: مریم حسینی
ویراستار: غفار علی عسگری
ناظر فنی: روح اله مقسمی
ناشر: مقسم
نوبت چاپ: اول- ۱۳۹۲
شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
شماره شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۱۸-۳۱-۷
چاپ و صحافی: غنچه
تعداد صفحات: ۱۱۸ صفحه
قیمت: ۷۰۰۰ تومان



آرامه گلپه خدمات، از اخذ مجوز تا مرحله چاپ
۰۲۲۳۹۴۵۳-۰۲۲۱۳۱۰

گرگان: خیابان شهید بهشتی جنب بهزیستی انتشارات مقسم

فهرست

۱۳	سخن سراینده
۱۵	ایران
۱۶	میوه ممنوعه
۱۷	اجاق موج
۱۸	صبح
۱۹	انتظار
۲۰	نگاه تب دار
۲۱	آشنای غریب
۲۲	گوهری نا آشنا
۲۳	رگ های نی سواران
۲۴	واقعه
۲۵	توده های زخم چرکین
۲۶	جرس
۲۷	تا چشمه ی دیدار
۲۸	قمقمه های خالی
۲۹	از قافله ی سرخ شهید
۳۰	سوگنامه ی سهیل
۳۱	هم اندیشه ی گرگ

- ۳۲ پای دبستان، سرآمدگی است
- ۳۳ حرّاف
- ۳۴ یک ساق و صد ساقه
- ۳۵ نی های سربریده
- ۳۶ از تبار خنجر
- ۳۷ من جای تو می گریم
- ۳۸ «سر تو»ی تو ما را عشق
- ۳۹ مشتی خاک
- ۴۰ ساغر رنج
- ۴۱ نیمه شب
- ۴۲ درخت عمر
- ۴۳ رهزن عمر
- ۴۴ سوار شهر
- ۴۵ کشتی وصل
- ۴۶ یا رب نظر تو برنگردد
- ۴۷ از تبار آفتاب
- ۴۸ جُبه ی عشق
- ۴۹ در تماشا
- ۵۰ چرا ذلّت؟
- ۵۱ ننگ فراموشی

- طوفانی در ارزن ۵۲
- رقص زبان ۵۳
- یخ شادمانی نبندد به دل ۵۴
- از پشت دیوار گنه ۵۵
- از خود مران مرا ۵۶
- چه فرمایی؟ ۵۷
- پشت پرچین نَفس ۵۸
- بُرّانه را گم کرده ام ۵۹
- زائر خورشید ۶۰
- آوای کوچ ۶۱
- پیام خون ۶۲
- گرگ نفس ۶۳
- بِهانه ی سفر ۶۴
- مرهم عاطفه ۶۵
- زیور دانایی ۶۶
- کی می رسد بهاران تا تر شوم ز باران ۶۷
- آهسته و بی صدا ۶۸
- در خط پرواز ۶۹
- این جا کسی نهال تو را نمی خرد ۷۰
- فرا خوان سکوت ۷۱

- طومارِ غم نبودن ۷۲
- بگو مگو ۷۳
- برای بودند نان می تراشی ۷۴
- چرخ عمر ۷۵
- تب این خواب گران ۷۶
- آهنگ شکسته ی نیايش ۷۷
- کدورت های ابری ۷۸
- یتیم لحظه ی آرامش ۷۹
- آوای هنر ۸۰
- سیره ی آب ۸۱
- به سوی واقعه ۸۲
- یادگار حجله ی عشق ۸۳
- ز همپا می گریزم ۸۴
- سوار دل ۸۵
- چه می شد؟ ۸۶
- از شما چه پنهان ۸۷
- رسیدن تا خدا ۸۸
- به تو چه! ۸۹
- غم ایام ۹۰
- با صبح بگوید که شب می گذرد ۹۱

- ۹۲..... مصحف عشق
- ۹۳..... چشم های پریده
- ۹۴..... تو را درود
- ۹۵..... بی خواب تر از دیده ی مهتاب
- ۹۶..... نگاه دلفریب
- ۹۷..... در سایه ی نخل
- ۹۸..... با وسوسه ی شب
- ۹۹..... چشم به راه
- ۱۰۰..... بارقه ی الهی
- ۱۰۱..... یعنی چه؟
- ۱۰۲..... خلیج صدف
- ۱۰۳..... بیداد و داد
- ۱۰۴..... پیچک آلام
- ۱۰۵..... قبضه ی خاک
- ۱۰۶..... سبوی مهر
- ۱۰۷..... رونق جان
- ۱۰۸..... آواره ی عیش
- ۱۰۹..... در خطه ی خون
- ۱۱۰..... چشم به چشم سحر
- ۱۱۱..... تند ی فریاد

در امتداد بی نهایت..... ۱۱۲

اختلاف من و ما..... ۱۱۳

زمستان..... ۱۱۴

شوره بری، نغمه و مبه..... ۱۱۴

زندگی به زندگی، دیم به دیم..... ۱۱۶

یادش به خیر..... ۱۱۷

قدیم تر از یاد یار..... ۱۱۸

www.ketab.ir

سخن سراینده

در سرزمینی که سعدی و حافظش، فرش غزل را بافته اند و خوشه اش تافته اند و «دار»ش آویخته اند، نامزد شاعری، بیشتر دعوی «تماخره» است تا ادعای شاعری.

در کشور ذوق و ذائقه، سخن سنجان نکته بین و نقادان دشوار پسند، نه هر واژه ای را در ذوق شاعری و نه هر سخنی را لایق ذائقه ی شعری می دانند. و نه حتی هر سروده ای را سزاوار ثبت و درج. بنابراین «دعوی شاعری» نوعی خودکشی شخصیت است که شجاعت و شهامت می طلبد و البته نابخشودنی است.

سراینده خود را شاعر نمی داند؛ بلکه بی تابی احساس و تلنگر اندیشه اش را به زبانی موزون به تصویر کشیده است و هنرمندان پرده ی ذوق را به تماشای اندیشه اش نشانده است که البته نمی توانست خود را از آن باز دارد؛ زیرا سخن در زهدان اندیشه چون جنینی که رسیده باشد بر دیواره ی رحم لگد می زد و بی تاب زاییدن بود و سخن سرا از دردِ درکِ خویش به خود می پیچید تا کودک ناخواسته اش با دستان چرکین قابله گر زمان، از حریر خیال زاده شود. او چون هر مادری بر آن نامی نهاد و با نوک پستان قلم بر دهان واژه هایش شیری از آرایه های ادبی نوشاند تا با آب تعبیر غسلش دهند و در قنداقی از مجاز و کنایه بپیچند و در گهواره ی فهم خود بپرورند و بعدها دستش بگیرند و پا به پا ببرند.

آه! ای مردی از تبار اسفندیار که شراب شهرت در جامی از غزل ریخته ای، زنهرا! که باده ی نام، نگاه اندیشه ات را به تیر ندوزد و گز تند قهرت و غرور، سرو سهی احساس را نشکند تا ذوق زایش از او دور شود.

و اما:

مجموعه ای که پیش روست، گزیده ی صد و سه غزلی است که سراینده در طی سالیان متمادی سروده و آن ها را از میان دیگر سروده هایش مثنوی، غزل، چهار پاره، مسمط تضمینی، رباعی، دوبیتی و شعرنو برگزیده است. بی تردید غزل های سست و

ضعیف در میان آن ها به چشم می آید که چشم انداز و گوش نواز نیست، چرا که نجوای درونی دوران دانشجویی است و حذف آن ها که جزئی از خاطرات سراینده است موجب رنجش او می گردید. به همین خاطر، آن ها را در مجموعه ی خود حفظ کرده است تا همیشه خاطراتش را در خاطرش به خاطر آورد.

در میان غزل ها، گاه اقتباس، استقبال و غزل های «طرحی» دیده می شود که استادان شعر و ادب، در انجمن های ادبی برای علاقه مندان به سرودن شعر تعیین می کردند که سراینده از این مقوله مستثنی نبوده است. البته در این غزل ها سعی شده است به جای پرداختن به موضوعات تکراری، مضامین تازه ی روز مطرح گردد تا غزل را از تکرار و تقلید دور سازد؛ نظیر غزل: «رگ های نی سواران»

هنر آن است که شعر، بی قید تاریخ به رشته ی تحریر درآید تا قوت و استنباط و قدرت تعمیم فراگیر گردد و برخی آن را در دایره ی تنگ زمان، مکان، موضوع و مسأله ای محدود نگردانند. بدین دلیل از قید تاریخ در زیر غزلیات خودداری شده است.

نامگذاری غزل، صرفاً برای سهولت به دست یابی است و گاه ممکن است با تنه ی غزل همخوانی و ارتباط موضوعی چندانی نداشته باشد و این ذوق خوانندگان است تا با ذائقه ی خویش، آن را چه بنامند.

در پایان، بی شک، رهنمودها، بیان دیدگاه ها و نقد و بررسی استادان فرهیخته همکاران گرامی، دانشجویان و دانش آموزان ارجمندم، موجب تقویت ساقه های ذوق خواهد شد.

با تشکر

غفارعلی عسکری

«فریاد»